

مرمت شهری و باززنده سازی کانون های اجتماعی و آسیب شناسی در بافت تاریخی محله جلفای اصفهان

دکتر حسن اصانلو*

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۵/۲۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۸۹/۹/۴

چکیده

محور این نگارش بررسی تاثیر اقدامات انجام شده طی سال های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۶ در ارتقا و بهبود تصویر ذهنی است که در ذهن ناظر از محور تاریخی و فرهنگی جلفا شکل گرفته است. نگارش به صورت مقایسه ای پایاپای از دیدها و مناظر مشابه شهری طی سال های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۶ شمسی از محله جلفا ارائه می گردد. مرمت شهری تنها در مجموعه عواملی که سعی در حفظ و بهبود وضعیت کالبدی شهر دارند-تعمیر اثر- خلاصه نمی شود، نکته مهم به روز نگه داشتن فضای شهری و انطباق آن با رفتار و فعالیت اجتماعی شهروندان در دوران حاضر - معاصر سازی اثر - می باشد. آنچه حائز اهمیت است تاثیر این ساماندهی ها و مرمت ها در محیط به منظور حضور مجدد انسان و تقویت ریشه فعالیت های مردمی و اجتماعی در عرصه فضای شهری و محل است.

واژه های کلیدی

فضای شهری، مرمت شهری، معاصر سازی، تصویر ذهنی شهر، حضور و فعالیت اجتماعی

سنجیده می شود. از دیدگاه علوم رفتاری تنها بروز ویژگی های کالبدی و هندسی فضای شهری نمی تواند اجازه دهد تا آگاهانه فضای باز بیرونی را در عرصه شهر یک فضای شهری قلمداد نماییم، بلکه حضور انسان و تعامل اجتماعی که در عرصه شهر صورت می پذیرد نقشی غیر قابل انکار در تداعی و تداوم معنای فضای شهری در ذهن مخاطب ایفا می نماید. بدون شک کیفیت بهره برداری از فضای عمومی شهر - رفتار اجتماعی - ارتباط مستقیمی با کیفیت شکل گیری تصویر ذهنی فرد از شهر و فضای شهری خواهد داشت. بنا براین تعریف زمانی می توان فضای ما بین ساختمان های شهر را فضای شهری قلمداد نمود که شکل گیری و تکامل گونه های مختلف و متنوعی از عملکرد و رفتار اجتماعی در آن عرصه در ذهن مخاطب درک شود. به بیان دیگر فضای شهری بستر شکل گیری فعالیت، رفتار و تعامل اجتماعی شهروندان در عرصه شهر خواهد بود.

تصویر ذهنی یا سیمای شهر^۱

سیمای شهر، نه به کالبد شهر بلکه به تصویر شکل گرفته از شهر در ذهن مردم - مخاطب - اطلاق می گردد. (لینچ، ۱۳۸۱) تصویر ذهنی یا سیمای شهر، کلیه برداشت ها، دانسته ها، باورها، حدس ها و انتظاراتی است که فرد از محیط پیرامون خود داشته و ارزش ها، کیفیات، عملکردها و اولویت های متفاوت را در ذهن وی ایجاد می نماید. این ذهنیات تابعی از کلیه اطلاعاتی است که فرد تا آن برهه از زمان دریافت و در ذهن خود انباشته است. (بحرینی، ۱۳۸۴). هنگامی که از رابطه بین انسان و محیط صحبت می شود، منظور ادراک محیطی^۲ می باشد که در درجه اول به شناخت محیط توسط مخاطب و بعد به درک آن مربوط می شود. در این فرآیند انسان اطلاعات دریافتی از محیط را در ذهن منظم کرده (شناخت محیط) و علاوه بر اجزای محیط، نظم یا رابطه حاکم میان آنان را نیز در ذهن خود به تصویر کشیده و به آن معنا می بخشد (درک محیط). این تصویر پایه و اساس هر گونه کنش و واکنش فرد با محیط می گردد. انسان در هر مقطع زمانی تنها بخشی از اطلاعات محیط خود را در ذهن ثبت می کند. لیکن همین اطلاعات محدود تصویری جامع و هر چند نادرست و غیر واقعی از محیط به دست می دهد. (بحرینی، ۱۳۸۴). آنچه از شهر و فضای شهری در ذهن مخاطب شکل می بندد، همان سیمای شهر است که به شکل یک جریان پویا و زنده در حال تکامل و تصحیح خویش می باشد و تصور فرد از فضای شهری را به سان یک نقش مایه سیال و پویا شکل می دهد. بنابراین تصویر ذهنی برای فرد فقط مربوط به زمان حال نبوده بلکه با تصورات ذهنی وی از گذشته و آینده ترکیب شده و ایجاد خاطراتی از گذشته و توقعاتی از آینده می نماید.

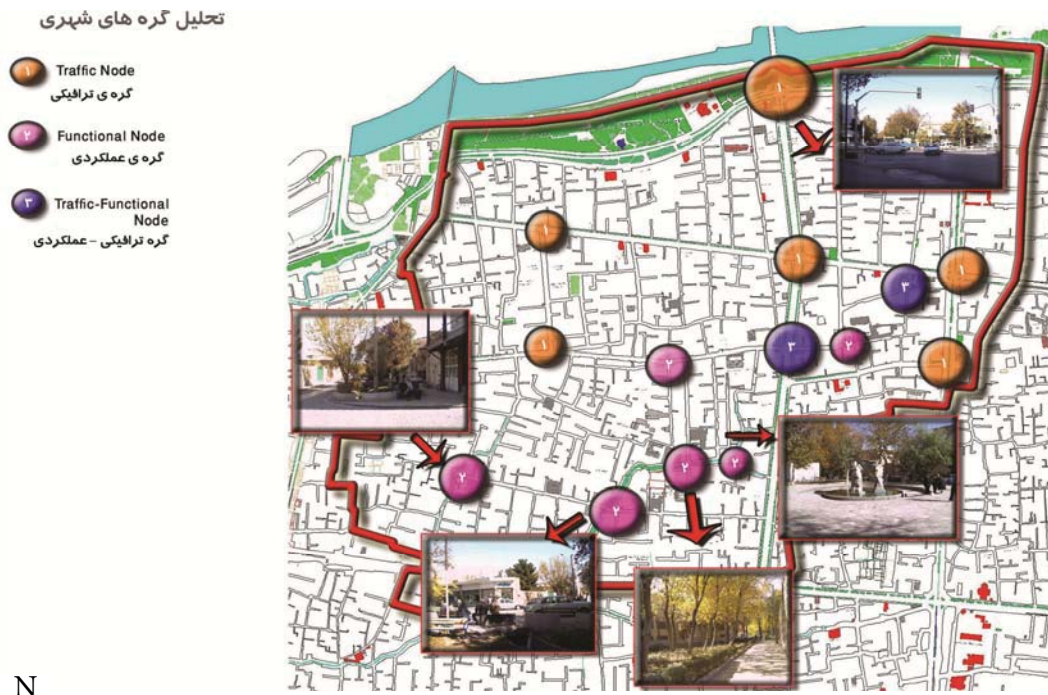
مروری بر تجربه مرمت شهری در ایران معاصر: از سال ۱۳۷۳ با آغاز نهضت "احیا و بهره برداری از بناهای تاریخی" و از سال ۱۳۷۶ با اجرای طرح "پردیسبان" تغییر کاربری بناهای قدیمی و بافت های تاریخی با هدف توسعه گردشگری مورد توجه قرار گرفته است. به سال ۱۳۷۴ قانون نوسازی و عمران شهری به تصویب رسید که راه را برای اقدامات گسترده در بافت های شهری فراهم ساخت. طرح های مبنی بر احیا و حفظ بافت های تاریخی در شهرهای اصفهان، یزد، شیراز، کرمان و کاشان در دو دهه اخیر را می توان در راستای سیاست های مذکور نام برد. (حناچی و همکاران، ۱۳۸۶) اما سیاست ها و رویکردهای عمده مرمت شهری در بافت های تاریخی و ارزشمند شهری تنها در مجموعه عوامل و اقداماتی که سعی در حفظ و بهبود وضعیت کالبدی و فیزیکی بافت شهر دارند - تعمیر اثر - خلاصه نمی شود، بلکه آنچه حائز اهمیت و توجه است، به روز نگه داشتن فضای شهری و انطباق آن با نیازها، رفتار و فعالیت اجتماعی شهروندان طی دوران حاضر است. در این اقدام فضای شهری جدیدی حادث می شود که ضمن حفظ شباهت های اساسی با فضای پیشین، تفاوت های ماهوی و معنایی را با توجه به شرایط زمانی و مکانی حاضر - دوران معاصر - با فضای پیشین در ارتباط با مخاطبان خود به نمایش می گذارد. (حناچی و همکاران، ۱۳۸۶)

معرفی موضوع، طرح سوال

با توجه به اهمیت و تاثیر حضور آرامنه در پیدایش و توسعه جلفا از قرن ۱۱ هجری تا کنون و ویژگی های شاخص رفتاری و اجتماعی آنان، پرسش مطرح آن است که اقدامات صورت گرفته در دوران حاضر تا چه اندازه در حفظ و تقویت کانون ها و توده های اجتماعی آرامنه اصفهان تاثیر گذار بوده است؟ و با توجه به حضور رو به تضعیف توده های اجتماعی آرامنه آیا اقدامات انجام شده در تداوم تصویر تاریخی - فرهنگی - اجتماعی این محله در آینده موثر خواهد بود؟

مفهوم فضای شهری

اگر بخواهیم فضای شهری را بدون تحمیل معیارهای زیبایی شناختی و رفتار شناسی تعریف نماییم، ناگزیر خواهیم بود فضای ما بین ساختمان ها - توده شهر - را فضای شهری قلمداد کنیم. این فضا ها از دیدگاه هندسی و کالبدی با بدنه های گوناگون شهری محصور می شوند. (کریر، ۱۳۸۳) بنابر این تعریف کیفیت فضای شهری به عنوان یک فضای محصور در ارتباط با کیفیت تعریف بدنه های محصور کننده آن



شکل ۱. تحلیل گره های شهری ماخذ: نگارنده

حاکم بر هر اندام واره زنده و پویا، حیات شهر نیز به واسطه اجتماعی شهروندان در دوران حاضر می باشد. معاصر سازی فرآیندی است که به خلق فضای شهری جدید با حفظ ویژگی های اصلی فضایی (کالبدی و رفتاری) منجر می گردد. نتیجه این فرآیند ایجاد فضای شهری جدیدی است که تفاوت های ماهوی و معنایی برخاسته از تحولات زمان معاصر خود را نسبت به فضای پیشین به نمایش می گذارد. بقا و تداوم یک اثر در عرصه شهر و زندگی شهری زمانی امکان پذیر خواهد بود که آن اثر بتواند بسان گذشته بستر شکل گیری، رشد و توسعه فعالیت ها و تعامل اجتماعی مردم جامعه در زمان و مکان مربوط به خود باشد. به کمک سامانه زیر میتوان ارتباط بین مفهوم فضای شهری، مرمت شهری و تداوم سیمای شهری را که در قالب یک مجموعه واحد منجر به تداوم حیات شهر و محله در طول زمان می گردد را به نمایش گذاشت.

تجربه جلفای اصفهان

بررسی اسنادی-تاریخی روند شکل گیری و توسعه جلفا در دوران صفویه

جلفای اصفهان در پنج مرحله اصلی بر اثر مهاجرت و جابجایی ارامنه در دوران صفویه گسترش یافت: (دروهانیان، ۱۳۷۹)

۱. بین سالهای ۱۶۰۳ تا ۱۶۰۵ میلادی - اوایل قرن یازدهم هجری -

عناصر تصویر ذهنی و نقش مضمون کانون های اجتماعی در شکل گیری آن

مطالعات انجام گرفته توسط کوین لینچ راجع به تصویر ذهنی افراد از شهر خود حاکی از آن است که شهروندان " نقشه ذهنی " شهر یا محله خود را در پنج عنصر و روابط بین آنها خلاصه می کنند: مسیر، گره، لبه، نشانه، حوزه

آنچه از تعاریف فوق حاصل می شود ناظر به ویژگی های کالبدی فضای شهری می باشند، اما آنچه در کنار کالبد شهری معنا بخش تصویر ذهنی شهر در ذهن مخاطب می باشد، کیفیت حضور انسان و بروز رفتار اجتماعی متناسب در ارتباط با عناصر مذکور خواهد بود. به بیان دیگر می توان اولین و موثرترین عامل در فرآیند شکل گیری و معنا پذیری سیمای شهر را کیفیت حضور انسان و کانون های اجتماعی در فضای شهری برشمرد.

مرمت شهری و زمینه سازی مضمون کانون های اجتماعی در عرصه شهر

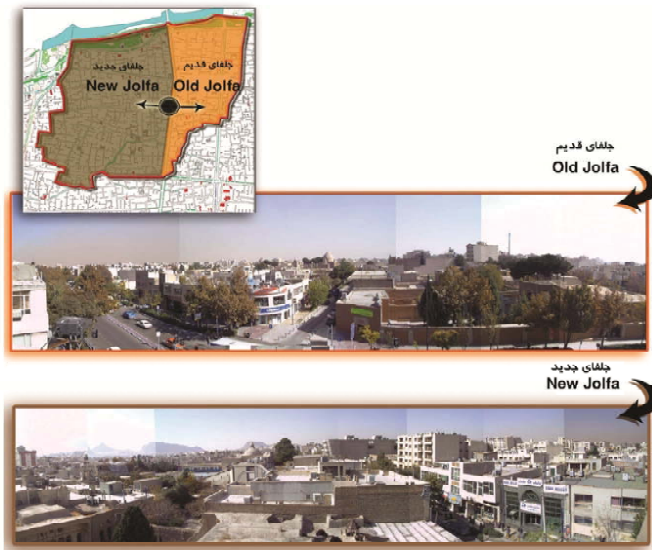
شهر و فضای شهری به مثابه یک اندام واره زنده و پویا است که همواره بخشی از آن در اثر عملکرد عوامل محل طبیعی (فرسایشی یا آبی) و عوامل محل انسانی و اجتماعی (جنگ، سو مدیریت، مهاجرت و ...) در طی زمان دچار فرسودگی یا تخریب می گردد. بر اساس قواعد

۴. بین سال های ۱۶۵۵ تا ۱۶۵۶ ، در پی رانده شدن ۱۲ هزار ارمنی ساکن در بخش شمالی زاینده رود به جلفا در زمان شاه عباس صفوی، این شهرک بالاترین حدگسترش خود را تجربه کرد.
 ۵. به سال ۱۶۷۰ میلادی، به دنبال مهاجرت گروهی از ارمنستان به جلفا و اسکان آنها در محله ایروانی ها ، مجدداً محدوده این شهرک در حوزه غربی توسعه یافت.

با مهاجرت اهالی جلفای ارس به دستور شاه عباس یکم هسته اولیه شهرک جلفا در حومه جنوبی زاینده رود پایه ریزی شد .
 ۲. بین سال های ۱۶۲۰ تا ۱۶۵۵ میلادی بر اثر ازدیاد جمعیت محدوده جلفا به صورت تدریجی گسترش یافت .
 ۳. در سال های ۱۶۳۰ تا ۱۶۴۰ در پی مهاجرت ۲۰۰ خانوار سنگ تراش به این منطقه ، محدوده این شهرک در حوزه غربی توسعه یافت.

Old Jolfa & New Jolfa
 جلفای قدیم و جلفای جدید

جلفای قدیم Old Jolfa
 جلفای جدید New Jolfa



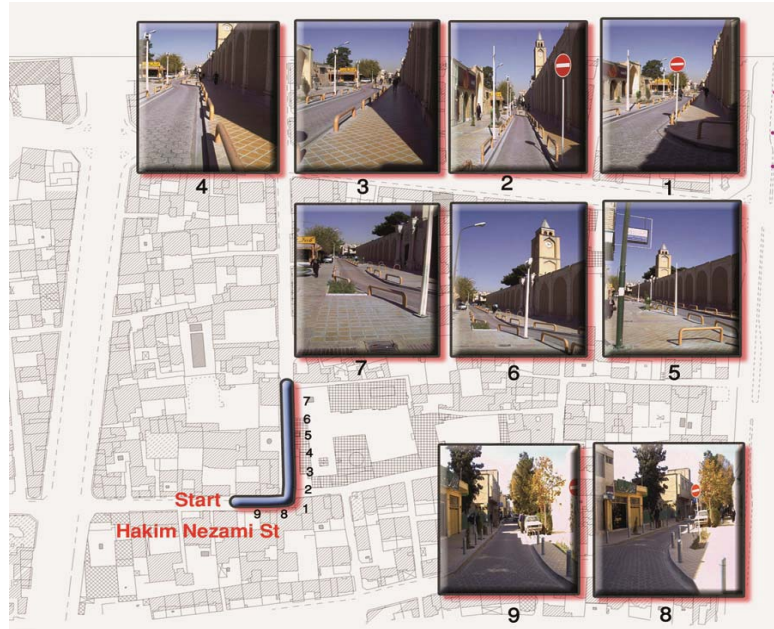
شکل ۲. جلفای قدیم و جلفای جدید ماخذ : نگارنده

جداره شهری از کلیسای وانک تا خیابان نظر



شکل ۳. جداره شهری از کلیسای وانک تا خیابان نظر ماخذ: نگارنده

جداره شهری خیابان حکیم نظامی



شکل ۴. جداره شهری خیابان حکیم نظامی ماخذ: نگارنده

جداره شهری از کلیسای وانک تا میدان جلفا



شکل ۵. جداره شهری از کلیسای وانک تا میدان جلفا ماخذ: نگارنده

بررسی اجمالی تحولات جامعه ارامنه جلفا پس از صفویه

با توجه به ارتباط پژوهش حاضر با ساختار اجتماعی - فرهنگی جامعه ارامنه جلفا، تحولات جامعه ارامنه در طول زمان و پس از عصر صفوی در ۵ دوره زمانی تاثیر گذار مورد بررسی قرار گرفته است :

۱. با ضعف حکومت صفویه و فتح اصفهان توسط افغانه در سال ۱۱۳۵ هجری تعداد قابل توجهی از ارامنه کشته و گروهی از ایران خارج شدند. ۲. در زمان نادر شاه افشار در سال ۱۷۲۸، به دلیل بدگوئی‌هایی که نزد نادر شاه از ارامنه کرده بودند بسیاری از ارامنه بدلیل وضعیت دشوار آن دوره به کشورهای بیگانه مهاجرت کردند و تا زمان قاجاریه به ایران باز نگشتند.

۳. در دوره قاجاریه و با نفوذ قابل توجه دول غربی در دستگاه حاکم ایران، وضعیت جامعه ارامنه بهتر شد بطوریکه بخشی از جمعیت مهاجر به اصفهان باز گشتند. در این دوره حصری در پیرامون شهرک جلفا احداث شده بود.

۴. در دوره پهلوی به دلیل گسترش شهر اصفهان و ازدیاد جمعیت گروهی از مسلمانان در محلات اقلیت ساکن شدند و جمعیت ارامنه که در آستانه انقلاب مشروطیت ۱۲۸۶ نفر بود در سال ۱۳۵۳ به ۶۰۰۰ نفر رسید. اختصاص رشته زبان و ادبیات ارامنه در دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان در دهه ۴۰ خورشیدی از اقداماتی بود که منجر به پویایی بیشتر جامعه ارامنه شد.

۵. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، جمعیت مسیحی شهر اصفهان به دلیل مهاجرت به آمریکا و کانادا به طور چشمگیری کاهش یافت بطوریکه جمعیت ۶۷۸۰ نفری آنان سال ۱۳۵۵ به ۵۸۳۸ نفر در آبان ۱۳۷۵ رسید.

آزمایش و مبنای نظری طرح مرمت شهری در جلفای اصفهان

در دوران حاضر محور جلفا به علت توان بالقوه جذب گردشگر و ارزش عناصر معماری و بافت شهری آن توسط سازمان نوسازی و بهسازی شهرداری اصفهان به همراه ده محور حائز اهمیت دیگر مانند بازار، جویبار، نقش جهان، تخت فولاد و ... به عنوان محور تاریخی، فرهنگی و گردشگری معرفی شده است. این محور از خیابان توحید و کوچه نمازخانه مریم شروع شده و به میدان جلفا رسیده، پس از گذر از خیابان حکیم نظامی در جبهه غربی به خیابان خاقانی، گذر چهارسوق و محور مادی های شایخ و نایب رسیده و تا گذر سنگتراش ها و تبریزی ها امتداد می یابد. آنچه به عنوان هدف اصلی و محور این طرح

تعیین گردیده، احیاء محله و بازگرداندن حیات اجتماعی و ارزش های فرهنگی آن بوده است. بنا به سیاست های اجرا شده از سوی سازمان بهسازی و نوسازی شهرداری اصفهان اقدامات اصلی در باز زنده سازی این محور عبارتند از :

- بازگرداندن هویت اجتماعی محله از طریق احیاء عناصر تاریخی و تزریق کاربری های سازگار و منطبق با نیاز های معاصر جامعه.
 - ایجاد ارتباط فضایی مناسب بین عناصر تاریخی، تقویت و بهسازی مسیر ها، لبه ها، گره ها و نشانه های محلی و شهری.
 - باززنده سازی محلات و گذرهای تاریخی بافت.
- با توجه به اهمیت روش مداخله در فرآیند مرمت شهری جلفا و انطباق نسبی آن با نظریات پاتریک گدس در مرمت شهری در ادامه نوشتار به بررسی اجمالی نظریات گدس پرداخته می شود.

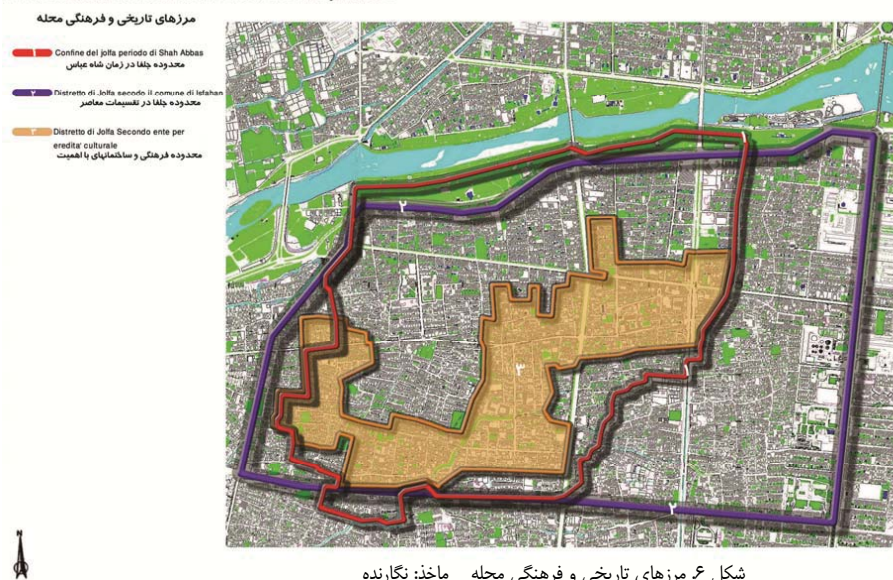
بررسی تاثیرات بهسازی کالبدی در مرمت شهری ممور جلفا

آنچه در این بخش از نگارش مورد توجه قرار گرفته است تاثیر ساماندهی و بهسازی فیزیکی گذر جلفا بر ارتقای نظم و سازماندهی بافت شهری آن طی سال های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۶ میباشد. تهیه تصاویر از مناظر شهری مشابه و تطبیق آنها طی سالهای ۸۱ و ۸۶ گویای تاثیر تغییرات و اقدامات شکل گرفته طی فرآیند مرمت شهری در این محل می باشد.

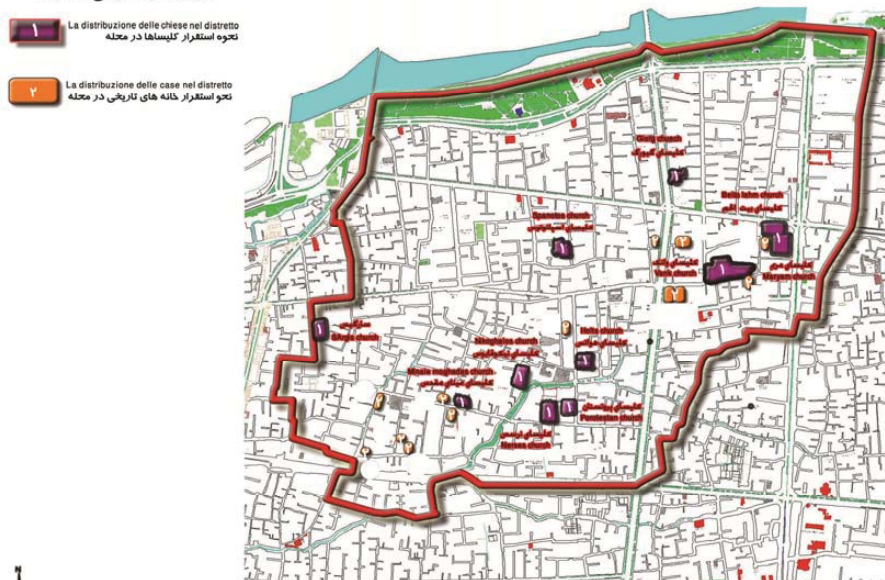
نسبت توجه به تدابیر مضمون کانون های اجتماعی ارامنه و الگوی سکونت در جلفا

اگرچه اقدامات انجام گرفته در روند مرمت شهری محله جلفا در بهسازی و بازسازی کالبدی گذرها و عناصر تاریخی اقدامی موثر و حائز اهمیت بشمار می رود، اما فقدان برنامه ریزی و تصمیم سازی هدفمند در جهت حفظ و توسعه کانون های اجتماعی ارامنه، تعریف و ساماندهی الگوی سکونت و بافت مسکونی و عناصر شهری مرتبط با آن در جلفا مشهود می باشد. اهمیت این نکته با توجه به افزایش قیمت و ارزش زمین در شهر اصفهان و منطقه مذکور و رونق ساخت و ساز مسکن در جلفا دو چندان می گردد. ادامه این روند با توجه به اهمیت حضور و جریان زندگی فردی و اجتماعی ارامنه اصفهان که اولین موثرترین رکن شکل گیری و تداوم تاریخی - فرهنگی محله جلفا محسوب می شود، می تواند عاملی موثر در تضعیف جایگاه اجتماعی - فرهنگی محله و تغییر نقش آن از یک گذر تاریخی - فرهنگی - اجتماعی متعلق به اقلیت ارامنه به یک گذر تفریحی - تجاری فرا

Le tre confinazioni storiche culturale del quartiere

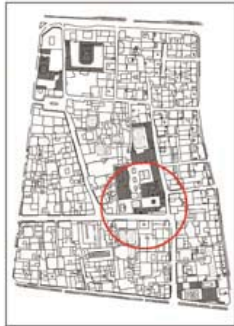


Le chiese storiche di Jolfa
کلیساهای تاریخی در جلفا



مورد مطالعاتی: محور کلیسای وانک

Case Study: Vank Church Axes



Before Renovation



After Renovation



Before Renovation



After Renovation

شکل ۸. آکس کلیسای وانک ماخذ: نگارنده

مورد مطالعاتی: محور کلیسای وانک

Case Study: Vank Church Axes



Before Renovation



After Renovation



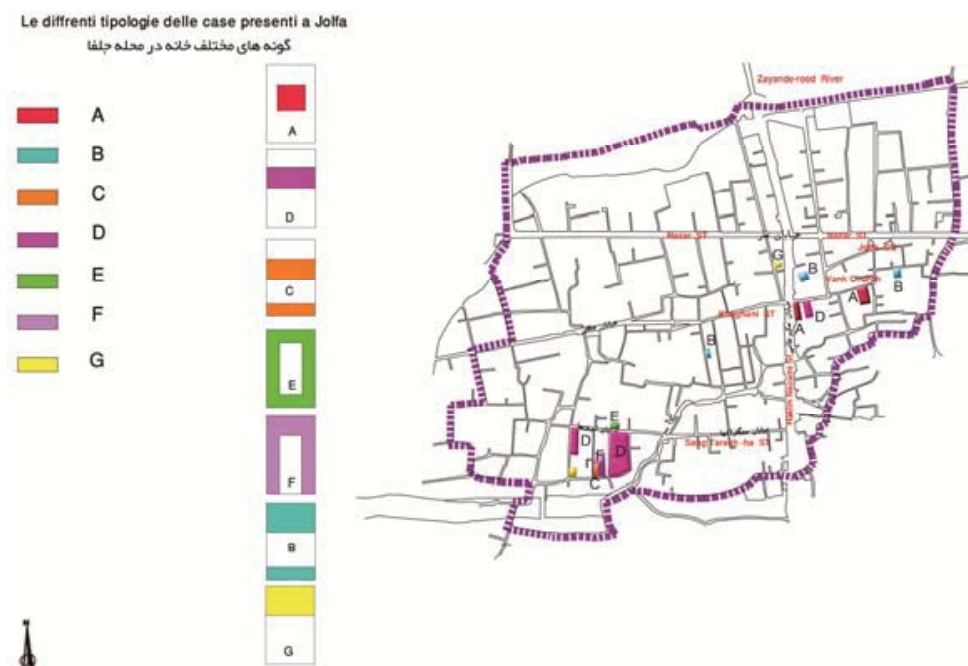
Before Renovation



After Renovation

شکل ۹. آکس کلیسای وانک ماخذ: نگارنده

گونه های مختلف مسکونی در محله جلفا



شکل ۱۰. گونه های مختلف مسکونی در محله جلفا - ماخذ: نگارنده

ساختار و ماهیت تاریخی - اجتماعی آن به یک قطب تجاری - تفریحی در مقیاس منطقه و شهر اصفهان گردد:

۱. حضور کم رنگ مراکز فرهنگی - اجتماعی معاصر آرامنه و عدم احداث مراکز جدید محلی متعلق به آرامنه و فعالیت های اجتماعی آنان
۲. فقدان الگوی ساخت و ساز و سکونت در محله با توجه به افزایش قیمت و ارزش زمین و آغاز موج ساخت و ساز مسکن در اصفهان.
۳. کاهش فعالیت و رونق واحد های تجاری و مراکز محلی و واحد های صنفی متعلق به آرامنه.
۴. مهاجرت آرامنه و افزایش آشکار میانگین سنی جمعیت ساکن در جلفا.
۵. احداث واحد ها و مراکز تجاری کلان در بدنه جلفا، نفوذ و تمرکز عمده کاربری هایی مانند فست فود و رستوران و مانند آنها و جذب جمعیت مخاطب خاص این کاربری ها از سراسر شهر اصفهان.
۶. عدم کنترل و نظارت موثر بر ساخت و سازهای اخیر بافت و حریم بافت بویژه در مقوله تراکم و ارتفاع.

پی نوشت ها

1. Image of the City
2. Environmental perception

محله ای در طول زمان گردد.

نتیجه گیری

با نگاهی به نظریات کوین لینچ (1970)، پاتریک گدس (1932)، لئوناردو بنه ولو (1933) و سایرین در مرمت شهری می توان حضور و تداوم زمان در مکان (معاصر سازی)، حضور و فعالیت موثر فرد و کانون های اجتماعی در عرصه شهر و فضای شهری را مهمترین عامل بقا و تداوم شهر و بافت های ارزشمند تاریخی در طول زمان دانست.

ارائه یک طرح کارساز و اجرایی در ناحیه تاریخی جلفا با توجه به گستره اقلیت نشین و بافت منحصر به فرد تاریخی آن از حساسیت و ظرافت ویژه ای برخوردار خواهد بود. با بررسی اجمالی کاربری های پیشنهادی در طرح تفصیلی محله جلفا با نگرشی هدفمند و گرایشی آشکار در جهت احداث و توسعه قطب های توریستی و مراکز خرید و تجاری فرامحله ای در جهت جلب توریست، رونق اقتصادی و درآمد سازی در مقیاس منطقه ای روبرو می گردیم. با وجود اقدامات موثر و مفید انجام گرفته در نوسازی و ساماندهی کالبدی جلفا، ادامه این روند در کنار عوامل تاثیر گذار زیر می تواند در طول زمان و به شکل محسوس منجر به تضعیف موقعیت اجتماعی و فرهنگی محله و تغییر

فهرست مراجع

- نشر خاک، اصفهان.
۱۴. لینچ، کوین، (۱۳۸۱)، "تئوری شکل شهر"، ترجمه سید حسین بحرینی، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۵. مجموعه مقالات مجله آبادی، سال ۱۵، شماره ۴۹، ویژه تجارب طراحی شهری در بافت های تاریخی.
۱۶. مجموعه مقالات مجله آبادی، سال ۱۷، شماره ۵۶، ویژه طراحی شهری در ایران.
17. Babayan, C. 1996, "The Safavid Synthesis: from Qilbash Islam to Imamite Spituland Temporal Dominion Seventeenth Century Iran"; in Charles MELVILLE (ed), Safavid Persia. A History of Islamic Society, London.
18. Beaudouin, E.E. 1993, "Isfahan sous les grands Chahs", in Urbanisme, II, n.10
19. Cuneo p. 1986, "Storia dell'urbanistica", il mondo islamico, Ed. Laterza, Bari.
20. Dedeyan, (a cura di), "Storia degli armeni", Guerini, Milano
21. Fusaro F. 1984, "La citta islamica", Ed. Laterza, Roma-Bari.
22. Glaube, H. 1979, "Iranian cities". New York.
23. Petruccioli, A. 1985, "Dar al Islam", ed. Carucci. Roma.
24. The Safavid Period, in P. Jackson and Lockart (eds), "The Cambridge History of Iran", Vol.6 (Cambridge, 1986)
25. Tucci G. 1949, "Italia e Oriente Garzanti"
26. Yuves, T. 1983, "La cause armenienne", Ed. Du Seuil, Paris.

۱. اصائلو، حسن، (۲۰۱۰)، "شهر در شهر محله جلفای اصفهان تاریخ و تحلیل شهری"، رساله دکتری دفاع شده در پلی تکنیک میلان.
۲. اصائلو، حسن و امیرحسین رستمی زاده، (۱۳۸۶)، "مرمت شهری و ارتقای سیمای شهر"، مجله رهپویه هنر، شماره ۳، صص ۳۹-۴۷.
۳. اهری، زهرا، (۱۳۸۰)، "مکتب اصفهان در شهر سازی"، انتشارات دانشگاه هنر.
۴. بحرینی، سید حسین، (۱۳۸۴)، "تحلیل فضاهای شهری"، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۵. حبیبی، محسن، (۱۳۸۵)، "شرح جریانهای فکری معاصر معماری و شهر سازی ایران"، دفتر پژوهش های فرهنگی.
۶. حبیبی، سید محسن و ملیحه مقصودی، (۱۳۸۱)، "مرمت شهری"، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۷. حناچی، پیروز و همکاران، (۱۳۸۶)، "حفاظت و توسعه در ایران" مجله هنرهای زیبا، شماره ۳۲، صص ۶۰-۵۱.
۸. دانش پژوه، منوچهر، (۱۳۸۱)، "بررسی سفر نامه های دوره صفوی" ، انتشارات فرهنگستان هنر و دانشگاه اصفهان.
۹. درهوهانیان، هاروتون، (۱۳۷۹)، "تاریخ جلفای اصفهان"، نشر زنده رود، اصفهان.
۱۰. شفق، سیروس، (۱۳۸۱)، "جغرافیای شهری اصفهان"، انتشارات دانشگاه اصفهان، اصفهان.
۱۱. عمرانای، مرتضی، (۱۳۷۸)، "در جستجوی هویت شهری اصفهان"، انتشارات وزارت مسکن و شهر سازی، تهران.
۱۲. قدیری، بهرام، (۱۳۸۵)، "ساختارهای جدید در محیط های تاریخی"، دفتر پژوهش های فرهنگی، تهران.
۱۳. کریر، راب، (۱۳۸۳)، "فضاهای شهری"، ترجمه خسرو هاشمی نژاد،